

## چشم‌انداز صنعت نفت و گاز طبیعی برزیل طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ نتایج یک تحقیق ملی\*

دانشگاهیان، کارشناسان صنعت نفت، باتکداران و حقوقدانان، راجع به نظرشان در مورد چشم‌انداز نفت و گاز طبیعی برزیل در طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ سؤالاتی پرسیده شده است. پس از مرور روش در نظر گرفته شده برای تحقیق، نتایج را بدون تعیین جواب‌های خاص خلاصه کرده و سعی شده است تا تناقضات موجود در موارد مختلف و همچنین موضوعاتی که در مورد آنها نظر قطعی وجود ندارد، ارائه شود و در پایین نیز از مهمترین نتایج این تحقیق یک جمع‌بندی ارائه شده است.

آغاز هزاره جدید، تقریباً مقارن با بازکردن بخش نفت و گاز به روی سرمایه‌گذاران بین‌المللی بود. بنابراین، تجزیه و تحلیل و درک بازار با توجه به چشم‌انداز بخش نفت و گاز طبیعی برای مواجهه با چالشهای قرن آینده جالب خواهد بود. این گزارش، نتایج تحقیقی است که توسط دانشگاه ساؤپائولو برزیل از دسامبر ۱۹۹۹ تا فوریه ۲۰۰۰ به انجام رسیده است. در این تحقیق که از طریق یک لیست پست الکترونیکی (email) به عمل آمده بود، از گروههای مختلفی نظیر: نمایندگان دولت،

## سوالات و روش تحقیق

سؤال ۱: صنعت نفت و گاز برزیل در طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ چه نقشی را ایفا خواهد نمود؟

سؤال ۲: مهمترین عواملی که موجب تحول صنعت نفت و گاز طبیعی در برزیل در دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ خواهند شد، کدامند؟

سؤال ۳: تحولات آتی در قیمت‌های بین‌المللی نفت را طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ چگونه می‌بینید؟

سؤال ۴: رقابت در صنعت نفت و گاز طبیعی برزیل در طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ چگونه گسترش خواهد یافت؟

سؤال ۵: صنعت نفت و گاز برزیل در کدام یک از موارد گفته شده رقابتی خواهد بود: اکتشاف و تولید در مناطق دریایی؟ اکتشاف و تولید در مناطق خشکی؟ فعالیتهای پایین‌دستی؟ گاز طبیعی؟

سوالات از طریق پست الکترونیکی برای شرکت‌کنندگان براساس لیستی به نام «میزگرد نفت» ارسال شد، که یکی از ابتکارات دانشگاه ساوثپاتولو به شمار می‌رفت و افراد مختلفی از صنعت نفت و گاز برزیل، مقامات دولتی، دانشگاهیان، بانکداران و حقوق‌آوران را گرد هم می‌آورد. شرکت‌کنندگان در حالی به همکاری در این تحقیق دعوت شدند که به آن‌ها اطمینان داده شده بود تنها مجموعه نتایج به دست آمده از پاسخ‌ها منتشر خواهد شد. پرسشنامه در پایان ماه دسامبر سال ۱۹۹۹ ارسال گردید و پاسخ‌ها نیز از طریق پست الکترونیکی از ژانویه تا فوریه ۲۰۰۰ دریافت گردیدند.

## چشم‌انداز تجارت نفت و گاز طبیعی در دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ در برزیل

به نظر اکثر شرکت‌کنندگان در تحقیق، نفت و گاز همچنان مهمترین انرژی جهان در طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ باقی خواهد ماند. به نظر آن‌ها، این دوره بیست ساله برای به وجود آوردن تغییرات عمده در ترکیب انرژی جهانی و توسعه هر انرژی جایگزینی که بتواند رابطه‌ای میان هزینه-فایده از نظر کمیت انرژی در حجم، در واحد پول و مسأوی با نفت و گاز داشته باشد، بسیار اندک است. بنابراین، مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر جایگزین، مانند بیوماس، انرژی خورشیدی و باد محدود خواهند بود. اعتقاد شرکت‌کنندگان در این میزگرد، بر آن است که

هیدروژن همچنان به عنوان یک منبع انرژی رقابتی مطرح خواهد بود، که به نظر می‌رسد در اواسط قرن جدید به راحتی در دسترس باشد. در ضمن، این انرژی سهم خود را در بخش حمل و نقل افزایش خواهد داد. به هر حال، در دوره ۲۰۲۰ تا ۲۰۰۰ هیدروژن و همچنین نیروی برق، تنها برای وسایل نقلیه مسافربری خاص و در شهرهای کوچک رقابتی خواهند بود.

اکثر پاسخ‌ها حاکی از آن است که در جهان توسعه یافته، بخش نفت و گاز شاهد کاهش اهمیت خود در بخش اقتصاد و سیاست خواهد بود، چرا که کشورهای ثروتمند به سرعت به سوی اقتصاد جدید، که اساس آن بر اطلاعات و ارتباطات استوار است، روی می‌آورند. مقادیر انرژی مصرفی در هر دلار از تولید ناخالص داخلی (GDP) در ایالات متحده آمریکا و همچنین ژاپن و اروپای غربی کاهش خواهد یافت. اما از نظر مقدار تقاضای کل نفت و گاز در این کشورها، احتمالاً افزایش خواهد یافت، ولی این افزایش تنها به طور حاشیه‌ای در مقایسه با رشد اقتصادی آن‌ها می‌باشد.

اکثر پاسخ‌دهندگان بر این باور هستند که این کشور شاهد نقش فزاینده گاز طبیعی در ساختار ملی انرژی خواهد بود، در حالی که وابستگی به نفت وارداتی احتمالاً در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ کاهش خواهد یافت. با گشودن بخش بالادستی این کشور به روی سرمایه‌گذاران خصوصی، تولید داخلی نفت و گاز افزایش چشمگیری خواهد یافت. برزیل با استخراج نفت و گاز، مانند سایر کشورهای کمتر توسعه یافته، ممکن است حتی به سوخت‌های فسیلی وابسته تر گردد، چرا که گاز طبیعی نقش خود را در تولید برق مستحکم‌تر نموده و سهم نسبی تولید نیروی هیدروژنی را در آن کاهش داده است. از آنجا که این کشور تلاش‌های ناچیزی در توسعه انرژی‌های جایگزین به عمل آورده است، اکثر پاسخ‌دهندگان معتقدند، وابستگی شدید به هیدروکربن‌ها تا اواسط این قرن همچنان حفظ خواهد شد.

به نظر اکثر پاسخ‌گويان، در سال ۲۰۵۰، احتمالاً وابستگی این کشور به واردات نفت و گاز طبیعی مجدداً افزایش خواهد یافت، چرا که تولید ملی جوابگوی رشد تقاضای داخلی انرژی نخواهد بود. این چشم‌انداز تنها در صورتی تغییر می‌یابد که این کشور در زمینه تکنولوژی‌های جدید انرژی، سرمایه‌گذاری انبوه به عمل آورد. چشم‌انداز انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، هیدروژن و بیوماس در برزیل مناسب به نظر می‌رسد و احتمال پیوستن سریع

به بازار پیش‌بینی می‌شود.

این تحقیق، تغییر در قیمت‌های بین‌المللی نفت را مهمترین متغیر در تعیین چگونگی ایجاد تحول در تجارت داخلی و بین‌المللی نفت و گاز در دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ معرفی می‌کند. تنها اتفاق نظر در میان پاسخ‌ها، عدم اطمینان در مورد تحول آتی قیمت‌های نفت است. بین افرادی که معتقدند پایداری شدید قیمت‌ها در حداکثر ۲۰ دلار در هر بشکه (براساس نرخ کنونی دلار) در ۲۰ سال آینده متوقف خواهد شد و کسانی که معتقدند ناپایداری همچنان در بین ۱۰ تا ۳۰ دلار آمریکا در هر بشکه در نوسان خواهد بود، هیچ زمینه فکری مشترکی یافت نشد. به نظر برخی از پاسخ‌دهندگان، به دنبال سودهای بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها، قیمت‌های نفت تا ۱۰ دلار در هر بشکه یا کمتر کاهش می‌یابد و سایرین، یک منحنی صعودی رشد قیمت‌ها و تا حدودی نوسان را تا ۳۰ دلار در هر بشکه برای سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی می‌کنند که نمایانگر کمیابی نفت و گاز است. به هر حال، اکثر پاسخ‌دهندگان معتقدند در محدوده ۱۵ تا ۳۰ دلار برای هر بشکه، قیمت‌های بین‌المللی نفت تغییر مهمی را در روند و نیروهای رقابتی که قبلاً در تجارت بین‌المللی نفت تثبیت شده‌اند، ایجاد نمی‌کند.

به نظر اکثر آن‌ها، با پایان انحصارطلبی ملی، و در زمانی که تازه واردان شروع به سرمایه‌گذاری در کشور نموده و در صورتی که شفافیت بیشتری در مدیریت شرکت ملی نفت برزیل (پتروبراس) و تعیین سیاست و مقررات داخلی نفت به وجود آید، برزیل بیش از پیش تحت تأثیر قیمت‌های بین‌المللی نفت قرار خواهد گرفت. اکثریت معتقد بودند که برزیل در زمینه فعالیتهای بالادستی، باید به عنوان یکی از مهمترین کشورهای غیرعضو اوپک مطرح شود. رقابتی بودن این کشور به وضعیت قیمت‌های بین‌المللی نفت بستگی دارد که سقوط آن تا ۱۰ دلار در هر بشکه یا کمتر ممکن است به موقعیت برزیل در تجارت بالادستی جهانی لطمه وارد سازد. با نوسان قیمت‌ها در محدوده بین ۱۵ تا ۳۰ دلار برای هر بشکه، صنعت نفت و گاز برزیل رقابتی خواهد بود و می‌تواند سرمایه‌گذاران را در بخش بالادستی جذب نماید. در فعالیتهای پایین دستی و در مورد گاز طبیعی، رقابتی بودن برزیل مقدماً در بازار داخلی این کشور پدیدار می‌شود، که با تمایل زیاد برای رشد سریعتر از میانگین جهانی همراه است. بازگشایی انحصار ملی پیشین و توسعه تکنولوژی‌های جدید، به ویژه برای فعالیتهای

آبهای عمیق در مناطق دریایی، مطمئناً دو نیروی مهم در صنعت بالادستی برزیل به شمار می‌روند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که شیوه‌های تجاری و تکنولوژیکی جدید رقابتی بودن برزیل، در فعالیتهای خشکی را نیز افزایش دهد که این امر، به‌ویژه برای شرکتهای کوچک و متوسط جذاب خواهد بود. در بخش پایین دستی، ورود بازیگران جدید و گشودن کامل بازلو برای واردات فرآورده‌های نفتی در دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ پیش‌بینی می‌شود. به دلیل نیاز به کاهش شدید هزینه و بهبود کیفیت فرآورده‌های پالایشی و همچنین رعایت بیشتر مقررات سخت زیست‌محیطی و امنیتی، چالشی اساسی در بخش پالایش برزیل پیش‌بینی می‌شود. علاوه بر این، از آنجا که انتظار می‌رود تا گاز طبیعی جایگزین نفت کوره در بازارهای صنعتی مهم شود، سرمایه‌گذاری بالایی برای ارتقای واحدهای پالایشی مورد نیاز است. به نظر اکثر پاسخگویان، همچنین انتظار می‌رود تا مصرف داخلی گاز طبیعی افزایش

زیادی داشته باشد. در بخش تولید برق، گاز طبیعی با انرژی هیدروکربوری و سایر منابع انرژی نظیر بیوماس، نفت کوره، نیروی هسته‌ای و زغال سنگ در رقابت خواهد بود. علی‌رغم این موارد، در کوتاه مدت موانع بسیاری مانند عدم اطمینان به قیمت‌ها و بازار باید از میان برداشته شود. سایر مشتریان نهایی نیز به تدریج پی به مزایای گاز طبیعی خواهند برد و این منبع انرژی را خواهند پذیرفت. با این همه، بازارهای گاز طبیعی تنها زمانی توسعه می‌یابند که سرمایه‌گذاری عظیمی در تأسیس زیرساختهای حمل و نقل و توزیع به وقوع بپیوندد. با توجه به سناریوی رقابتی در داخل کشور در آینده، مسئله مبهم این است که آیا شرکت ملی نفت برزیل (پتروبراس) در دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ خصوصی خواهد شد یا نه و چه زمانی و چگونه این اتفاق رخ خواهد داد؟ برخی از پاسخ‌دهندگان انتظار دارند که در طی این دوره ۲۰ ساله پتروبراس کاملاً خصوصی شود و معتقدند که این شرکت

هنوز به عنوان شرکتی دولتی به دولت این اجازه را می‌دهد که با گذر از یک دوره تهبیر طولانی مدت، به سوی یک بازار رقابتی‌تر پیش رود. برخی از پاسخ‌ها، خصوصی‌سازی پتروبراس را شرایطی ضروری برای این بازار رقابتی دانسته‌اند. علاوه بر این، برخی از پاسخ‌دهندگان متقاعد شده‌اند که این شرکت دولتی تنها در صورتی می‌تواند رقابتی باشد که از محدودیتهای کنونی تأمین بودجه توسط دولت رها شود. بدون در نظر گرفتن این موقیعت، پتروبراس باید با سایر بازیگران در هر دو بخش بالادستی و پایین دستی و همچنین در بخش گاز طبیعی به رقابت بپردازد. در مورد بخش بالادستی، اکثر پاسخ‌ها حاکی از آن است که رقابتی بودن این صنعت در برزیل، از لحاظ زمین‌شناختی و تکنولوژیکی قبلاً در فعالیتهای مناطق دریایی و به ویژه در مناطق آبهای عمیق به اثبات رسیده است به نظر اکثر شرکت‌کنندگان در تحقیق، چشم‌انداز مناطق خشکی با رقابت‌پذیری کم زمین‌شناسی و جذابیت اندک برای شرکتهای بزرگ بین‌المللی نفت، برای معرفی تکنولوژی‌های جدید ضروری پیش‌بینی می‌شود. از سوی دیگر، برخی از پاسخ‌دهندگان معتقدند که به سختی می‌توان انتظار داشت تا برزیل در دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰، رشدی سریع در بخش بالادستی خود را تجربه کند. برزیل هنوز هم به عنوان کشوری با مخاطرات بالای سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. پایداری اقتصاد کلان هنوز در آن تحقق نیافته است و برای دولت، نفت یک منبع درآمد به شمار می‌رود، زیرا به نظر دولت فعالیت در مناطق دریایی دارای شانس بالا امیدوارکننده است، در حالی که برای سرمایه‌گذاری در مناطق دریایی و خشکی با دورنمای پایین تولید هیچ مشوقی وجود ندارد؛ مالیات‌های غیرمستقیم موجب آشفتگی می‌شود و تأثیرات مهمی بر پروژه‌های بالادستی خواهند داشت. علاوه بر این، فشارهای اجتماعی در همهٔ صحنه‌های سیاست داخلی نمودار شده و نهایتاً ممکن است سیاست سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شرایط کنونی را به سوی تحرکات ملی‌گرایانه، یعنی سرمایه‌گذاران داخلی و بالقوهٔ نفت که از این سیاست خسارت دیده‌اند، رهنمون سازد. طبق این نظریات، برزیل به عنوان یکی از کشورهای غیر عضو اوپک در تجارت بالادستی جهان نقش کوچکی ایفا خواهد کرد. اکثر پاسخ‌دهندگان معتقدند، رقابت داخلی در بخش بالادستی در ۲۰ سال آینده عمیق‌تر



خواهد شد، هرچند که بعید است پتروبراس قدرت و توانایی خود را در رهبری رقابت داخلی از دست بدهد. اما با وارد شدن به شراکت با سرمایه‌گذاران خصوصی، پتروبراس احتیاج به گسترش بیشتر شفافیت و عملکرد تجاری خواهد داشت. این شرکت ملی، همچنین باید با سایر بازیگران برای کسب مناطق جدید اکتشافی و تولیدی در کشور از طریق مناقصه که توسط آژانس ملی نفت (ANP) سازماندهی می‌شود، رقابت کند. از سال ۲۰۰۱ و بعد از آن، این شرکت شروع به واگذاری برخی از مناطق اکتشافی کنونی خود خواهد کرد که این امر فرصتهای جدیدی را در اختیار ANP برای اعطای این مناطق به سرمایه‌گذاران جدید قرار می‌دهد. از سوی دیگر، زمانی که پتروبراس طرح تجدید ساختار موجودی دارایی‌های بالادستی خود را با واگذاری برخی از مناطق اکتشافی و تولیدی خود آغاز کند، باید منتظر تولید شرکتهای نفتی خصوصی کوچک و متوسط دیگر باشیم. علی‌رغم تمام تحولات احتمالی، رقابت داخلی در بخش بالادستی در برزیل در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ سالم باقی خواهد ماند. به نظر اکثر پاسخ‌دهندگان، رقابت ممکن است تنها زمانی لجام گسیخته شود که قیمت‌های نفت تا سطح ۱۰ دلار در هر بشکه کاهش یابد و یا زمانی که پروژه‌های بزرگ و مهم کشور خسارت ببینند (احتمالاً نه قبل از سال ۲۰۲۰).

در مورد فعالیتهای پایین دستی، بحث رقابت پیچیده‌تر است و یافتن نتایج و عقاید غالب در این تحقیق بسیار مشکل می‌باشد. تا آنجا که مقیاس اقتصادی و رشد سیاسی مدنظر است، برزیل به عنوان بازاری رقابتی با جذابیت بالا برای سرمایه‌گذاران بالقوه در فعالیتهای جدید پالایشی، توزیع و بازاریابی محسوب می‌شود. به هر حال، در یک محیط بازار آزاد، تولید داخلی باید با فرآورده‌های پالایشی وارداتی از آرژانتین، منطقه مدیترانه، آمریکا و یا زوئلا و منطقه کاراییب رقابت کند. به عقیده برخی از پاسخ‌دهندگان، در کوتاه و میان مدت، تا سال ۲۰۰۵، احتمالاً به دلیل دسترسی به ظرفیت بلااستفاده پالایشگاهی در این مناطق، تمایل به احداث پالایشگاه‌های جدید در برزیل کاهش می‌یابد و رقابت تنها در بین فرآورده‌های داخلی و وارداتی با یک مزیت مکانی برای پالایشگران داخلی به وقوع خواهد پیوست. تا زمانی که پتروبراس انحصار کامل خود را در صنعت پالایش برزیل حفظ کند، رقابت محدود خواهد

بود و شرکت ملی نفت به تنهایی از این مزیت جغرافیایی سود خواهد برد. استراتژی تسریع رقابت در بخش پایین دستی برزیل، پاسخ‌دهندگان این تحقیق را به دو گروه تقسیم می‌کند. گروه اول معتقدند، خصوصی‌سازی جزئی پالایشگاه‌ها پتروبراس، ورود تازه واردان و در نهایت، رقابت در بخش پالایش برزیل را تسریع خواهد کرد. گروه دوم بر این عقیده‌اند که این استراتژی، روند تمرکزکنونی را بر هم خواهد زد و توانایی شرکت ملی نفت برزیل را برای رقابت جهانی با سایر بازیگران بزرگ به خطر خواهد انداخت. برخی از پاسخ‌دهندگان معتقدند، دولت با تسفیک دارایی‌هایی پایین‌دستی آن به جای خصوصی‌سازی این شرکت، ارزش پتروبراس را کمتر از میزان واقعی برآورد خواهد کرد.

پاسخ‌ها، چشم‌اندازهای آینده برای بخش توزیع و بازاریابی را نیز مشخص کرده است، اما مجدداً، هیچ بستر مشابهی در پاسخ‌ها یافت نمی‌شود. از یک طرف برخی اظهار می‌دارند، تقویت مداوم شرکت‌های کوچک و بسیار کوچک که به عنوان یک استراتژی نیرومند عمل خواهد کرد و وفاداری مشتریان داخلی را به دست خواهد آورد، از طریق توجه شخصی و روابط بلندمدت، به تدریج قدرت توزیع‌کنندگان و بازاریابان بزرگ را کاهش خواهد داد. از سوی دیگر، پاسخهایی ارایه شده است که تمرکز را به عنوان مهمترین نیروی محرکه خاطر نشان کرده و گسترش بازیگران کوچک را به عنوان پدیده‌ای موقتی در نظر گرفته‌اند. موفق‌ترین بازیگران کوچک، تحت تسلط یک شرکت بزرگ قرار خواهند گرفت. تصاحب این شرکت‌ها ممکن است آسان‌ترین استراتژی برای ورود به بازار برزیل باشد. تنها عقیده مشترک در بین اکثر پاسخ‌دهندگان، عقیده عمومی در این مورد است که سودهای حاشیه‌ای توزیع و بازاریابی در دوره ۲۰۰۰-۲۰۲۰ کاهش خواهد یافت.

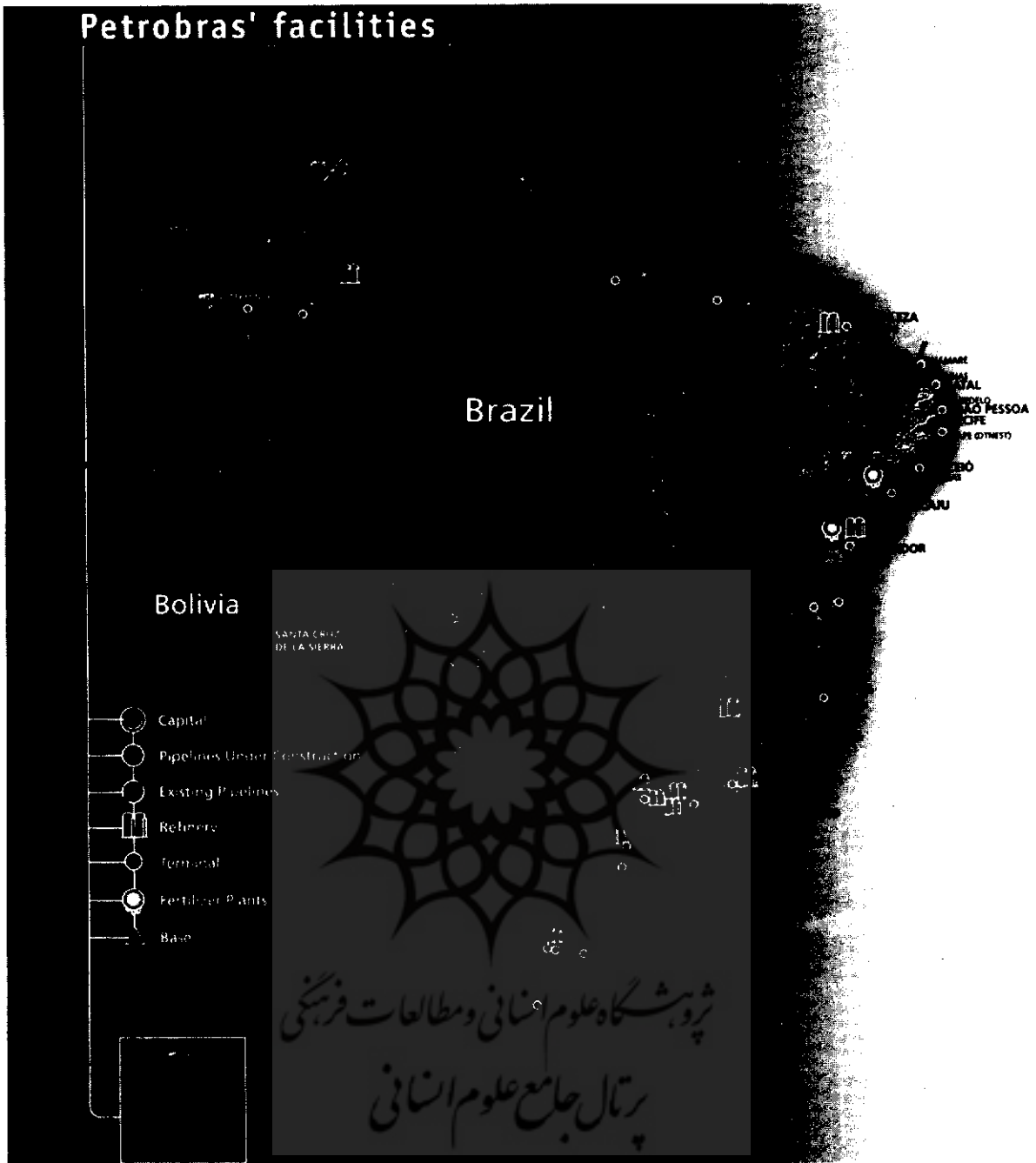
در زمینه گاز طبیعی، این صنعت نوپا دارای امکان بالقوه رشد بسیار بالایی است. پتروبراس و بسیاری از شرکتهای بین‌المللی و ملی خصوصی به دنبال بهترین فرصت برای یافتن جایگاهی در این بازار جدید هستند. در اولین قدم، شرکتهای برجسته توزیع گاز خصوصی شده‌اند و انحصار توزیع به عوامل خصوصی انتقال یافته‌است. زیرساختهای حمل و نقل، از طریق شرکت فرعی گاز پترو (هرچند که سهم گاز پترو مهمترین دارایی است)، خط لوله گاز بولیوی-برزیل و سایر بازیگران بین‌المللی خصوصی از طریق شرکتی

به نام TBG هنوز در اختیار پتروبراس است. در یک سناریوی خوش‌بینانه، جایی که انتظار می‌رود بازار سیر صعودی داشته باشد، عمدتاً از طریق نیروگاههای گازسوز، این صنعت در یک آشفته‌گی ساختاری غرق می‌شود که در آن عدم ثبات قیمت و بازار، از سرعت اخذ تصمیم برای سرمایه‌گذاری می‌کاهد. اکثر پاسخ‌دهندگان در این زمینه اتفاق نظر دارند که در دوره ۲۰۰۰-۲۰۲۰ رقابت در ساختار صنعت گاز طبیعی برزیل وجود نخواهد داشت، انحصار خصوصی منطقه‌ای برای توزیع گاز مسلط خواهد بود، پتروبراس حداکثر سهم را در حمل و نقل و تولید گاز در اختیار خواهد داشت، و دولت تمام خطرات در نیروگاههای (تولید برق) گازسوز را برعهده خواهد گرفت و به این طریق سرمایه‌گذاران خصوصی را از خطرات تجاری و مالی حفظ خواهد کرد.

### نتیجه‌گیری

این تحقیق صریحاً نشان می‌دهد که به نظر کارشناسان صنعت نفت و گاز برزیل، انتظار می‌رود تا اهمیت صنعت نفت و گاز طبیعی به عنوان یک تجارت اصلی در جهان توسعه یافته کاهش یابد و به تدریج، سایر بخش‌ها مانند صنایع اطلاعات و ارتباطات از راه دور از لحاظ قدرت سیاسی و اقتصادی از بخش نفت و گاز طبیعی پیشی بگیرند. با این همه، نفت و گاز همچنان عمده‌ترین انرژی اولیه به شمار خواهد رفت، که توسعه اقتصادی جهان را در دوره ۲۰۰۰-۲۰۲۰ تأمین خواهد کرد. از آنجا که در برزیل بافت اقتصادی متفاوت است، به همین دلیل بخش انرژی، به ویژه صنعت نفت و گاز، همچنان به عنوان بزرگترین تجارت ملی باقی خواهد ماند و نفوذ قوی اقتصادی و سیاسی خود را حفظ خواهد کرد. این صنعت رشد اقتصادی ملی را تأمین نموده، سرمایه‌گذاریهای خصوصی را جذب خواهد کرد و مبنای انرژی مورد نیاز برای برزیل برای ورود به اقتصاد اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید را فراهم می‌نماید.

نتیجه مهم دیگر این تحقیق این است که برزیل منطقی‌تر در فعالیتهای نفت و گاز رقابتی به نظر می‌رسد، به ویژه اگر قیمت‌های بین‌المللی نفت بین ۱۵ تا ۳۰ دلار آمریکا در هر بشکه در نوسان باشد. این سناریوی قیمت متقاعدکننده است و به همین دلیل است که متخصصان برزیل معتقدند که این کشور رقابتی بودن خود را برای جذب سرمایه‌گذاران حفظ خواهد کرد، هرچند یک رشد پایدار نفت و گاز در دوره بیست ساله



شپو شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

بود. در پایان این تحقیق نتیجه گیری می شود که دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰، ممکن است برای ایجاد رقابت قوی در بازار نفت و گاز برزیل و کاهش نفوذ انحصار و کنترل دولت بسیار کوتاه باشد. با این همه، روند بازگشایی همچنان گسترش یافته و به تدریج فضای رقابتی را تغییر خواهد داد.

منبع: انجمن بین المللی اقتصاد انرژی،  
 خبرنامه، پاییز ۲۰۰۰

**پیشنهاد:** پیشنهاد می گردد که چنین تحقیق ملی در مورد صنعت نفت و گاز کشورمان نیز انجام شود.

نتایج این تحقیق، درک درست بازار را نشان می دهد که در آن حس ملی گرایانه قدیمی برزیل که اشاره به عدم بلوغ بازار داشت، دخیل نشده است. طبق پاسخهای ارائه شده در این تحقیق، متخصصان از توان بالقوه برزیل، مشکلات و همچنین مزایای رقابتی و غیر رقابتی بودن در تجارت نفت و گاز طبیعی آگاهند. عقیده عمومی بر این است که برزیل هنوز از تشخیص و انجام اقدامات مناسب و فعالانه که می تواند این کشور را به منطقه ای جذاب برای سرمایه گذارهای نفت و گاز تبدیل کند، دور است. اکثراً معتقدند که نظام نهادینه جدید برای تعیین و انتخاب این اقدامات موفق تر خواهد

مورد بررسی مشکوک به نظر می رسد. بنابراین، هرچقدر هم که خوشبین باشیم، در پیش بینی آینده بازار باید محتاط باشیم. علاوه بر این، بازار، عدم اطمینان و تأثیرات بالقوه آن را بر تحول صنایع ملی درک کرده است، اما در مورد بخش گاز طبیعی به نظر می رسد که واقع بینی کمتری وجود داشته باشد. در این مورد، با توجه به عدم سابقه و نوپا بودن این صنعت، به نظر می رسد که بازار با اعتماد بیشتری در انتظار آینده ای درخشان است، هرچند که موانع مهمی هنوز وجود دارند که روند توسعه این صنعت را کند می کنند. همچنین، ذکر این نکته ضروری است که